

## اشتراط بارداری و ولادت در نشر حرمت با رضاع

بحث در شرایطی بود که با آن شرایط رضاع موجب نشر حرمت باشد. شرط اول و دوم این بود که شیر باید ناشی از بارداری و ولادت بچه باشد و ادله آن در جلسه قبل گذشت.

سومین شرط این است که شیر باید ناشی از بارداری مشروع باشد لذا اگر بارداری نامشروع باشد هر چند نسبت بین زن و مرد زانی و بچه متولد شده برقرار است و فقط از یکدیگر ارث نمی‌برند اما شیر ناشی شده از این بارداری و ولادت موجب نشر حرمت نمی‌شود.

لذا اگر چه تعبیر موجود در روایت ابن سنان که «مِنْ لَبَنِكَ وَ لَبَنِ وَاَلِدِكَ» در مورد بارداری حاصل از زنا صدق می‌کند اما «أَرْضَعَتِ امْرَأَتُكَ» صدق نمی‌کند. هم چنین از روایت برید نیز استفاده می‌شود که باید صاحب شیر زوجه باشد و بدون آن نشر حرمت نمی‌شود.

مرحوم صاحب جواهر عبارتی دارند که ذکر آن در اینجا مناسب است:

«بل ظاهرهما (یعنی ظاهر دو روایت یعقوب بن شعیب و یونس بن یعقوب) عدم النشر به بعد الولادة (به نظر اینجا الا سقط شده است و جمله بعد هم قرینه بر آن است) و إن كانت منكوحة، بل و أن كانت حاملا، كما هو مجمع عليه في الأولى والأشهر في الثانية، بل عن الخلاف والغنية و السرائر الإجماع عليه.

بل ربما استدلل عليه بظاهر صحيح ابن سنان «سألت أبا عبد الله عليه السلام عن لبن الفحل، فقال: هو ما أرضعت امرأتك من لبنك و لبن ولدك ولد امرأة أخرى فهو حرام» بل في خبره الآخر عنه عليه السلام أيضا «عن لبن الفحل، فقال ما أرضعت امرأتك من لبن ولدك ولد امرأة أخرى فهو حرام» بتقريب عدم صدق لبن الولد على الحمل، لكن قد يقال: إنه و إن كان في تعريف لبن الفحل إلا أنه لم يسبق (این عبارت هم باید غلط باشد و باید لم يسبق باشد) لبيان ذلك، و لا لإرادة القيدية في جميع ما ذكره، ضرورة عدم انحصاره في ذلك، فالعمدة حينئذ ما سمعت، خلافا للقواعد و المسالك و الروضة و ظاهر عبارة المصنف الآتية، للإطلاق الواجب تقييده بما عرفت لو سلم شموله للفرض (یعنی اگر بپذیریم آن اطلاقات شامل شیر بدون ولادت هم می‌شود) و عدم انسباق الولادة من الرضاع فيها لتعارفه (یعنی اگر نگوییم اطلاق رضاع منصرف به فرض ولادت است چون متعارف از شیر این است که بعد از زایمان به وجود می‌آید) كما عساه يومئ إليه إرادته من لفظ الرضاع في الخبرين السابقين.

بنابراین تا اینجا ایشان هم سه تا شرطی را که ما گفتیم بیان کرده است و بعد به فرع دیگری اشاره کرده است که شیر باید بعد از زایمان باشد اما باید زایمان ولد باشد پس اگر چیزی دفع شود که معلوم نباشد چنین است یا چیزی دیگر، حتی اگر شیر هم جریان پیدا کند موجب نشر حرمت نیست. هم چنین آیا معتبر است

ولادت در زمانی باشد که ولد در آن بتواند زنده بماند یا چنین چیزی معتبر نیست؟ یا آیا معتبر است بعد از دمیده شدن روح باشد یا نه؟

نعم هل يعتبر في الولادة كونها في محل يعيش الولد أو بعد ولوج الروح فيه أو لا يعتبر شيء من ذلك، بل يكفي مطلق الوضع له وإن قلت أيامه ما لم يعرف كونه درا؟ لم أجد لهم نصاً في ذلك، ولا ريب في أن الأخير أحوط إن لم يكن أقوى، للإطلاق الذي لا يعارضه عموم الحل بعد أن كان موضوعه ما وراء المحرمات. (جواهر الكلام، جلد ۲۹، صفحه ۲۶۴)

ایشان می‌فرمایند این مساله در کلام فقهاء مطرح نشده است و احوط این است که هیچ کدام از این موارد شرط نیست بلکه اقوی همین است و دلیل آن هم اطلاق ادله نشر حرمت با رضاع است و آن مقداری که برای رفع ید از این اطلاق دلیل داریم شیری است که ناشی از بارداری مشروع و ولادت نباشد و عمومات حلیت ازدواج با این اطلاقات منافات ندارد چون از نظر ایشان ادله حلیت ازدواج مقید شده است به «ما وراء ذلك» در نتیجه مورد بحث ما شبیه مفهومیه مخصص متصل است که نمی‌توان به عام رجوع کرد.

نتیجه اینکه تا اینجا همان سه شرطی که گفتیم ثابت است یعنی شیر باید ناشی از ولادت از بارداری مشروع باشد و وضع حمل بعد از دمیده شدن روح یا بعد از زمانی که بچه بتواند در آن زنده بماند در آن شرط نیست.